

شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی

«بخش مقدمات کتاب»

حسن ملکی
دانشگاه علامه طباطبائی
maleki_hhasan@yahoo.com

چکیده

ساختار کتاب درسی به عنوان وسیله یادگیری، بدون تأمل در فرایند یادگیری، قابل فهم نمی‌باشد برای این اساس یادگیری به زمینه‌سازی ذهنی و مفهومی نیاز دارد. کتاب درسی که در دنیا به عنوان یک رسانه مهم شناخته شده است باید بخش مقدمات داشته باشد و موارد ضروری قبل از متن درس را دربرگیرد.

همچنین یادگیری دارای متن و پیکره اصلی است طبق این قاعده کتاب درسی نیز باید دارای متن مناسب درسی باشد و در آن عناصر یادگیری به صورت یکپارچه انسجام یابد تا به یادگیری موثر منجر شود.

یادگیری نیازمند تحکیم و تقویت است. کتاب درسی برای کمک به تحکیم یادگیری، فعالیتهای یادگیری و شیوه ارزشیابی و توصیه‌های آموزشی به یادگیرنده را در بخش پایانی خود شامل می‌شود. در این مقاله به بخش مقدمات پرداخته می‌شود. سایر اجزای ساختار کتاب درسی در شماره‌های بعدی مجله مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

واژه‌های کلیدی

کتاب درسی، طراحی کتاب، مقدمات کتاب درسی، یادگیری، محتوا، سازمان محتوا

مقدمه

کتاب درسی وسیله یادگیری است به همین دلیل باید از منطق یادگیری پیروی کند. یکی از نکاتی که در فرایند یاددهی - یادگیری اهمیت دارد زمینه یادگیری است. یعنی ضروری است که برنامه‌ریزان درسی و مربیان؛ زمینه و مقدمات لازم را برای آماده شدن یادگیرنده به منظور یادگیری پیام اصلی درسی، فراهم نمایند. بدون مقدمه وارد متن یادگیری شدن موجب بروز ابهامات و اشکالاتی می‌شود که از حضور علاقه‌مندان یادگیرنده در فرایند یادگیری جلوگیری می‌کند.

بنابراین کتاب درسی به عنوان وسیله یادگیری، باید بخشی با عنوان مقدمات داشته باشد که مرور و درک آن مقدمات، درک متن درس را آسان نماید.

مورد دوم در یادگیری، فرایند یادگیری و فعالیت درونی و بیرونی یادگیرنده است. یقیناً بدون فعالیت، یادگیری اتفاق نخواهد افتاد. زمانی که یادگیرنده متن درس را می‌خواند و یا برای او تدریس می‌شود، او شنیده‌ها را در ذهن خود سازماندهی می‌کند و نظام مفاهیم و اصول را شکل می‌دهد. این ویژگی ذهن یکی از کارهای فوق‌العاده ظریف و مؤثر است که امکان فعالیت درونی و «جاسازی» آموخته‌ها را در ذهن فراهم می‌سازد. بنابراین شنیدن و خواندن اگر با تفکر همراه باشد یک فعالیت درونی محسوب می‌شود و در رشد انسان تأثیر فراوان دارد. این رویداد درونی زمانی اتفاق می‌افتد که متن یادگیری، تناسب لازم را با فراگیر داشته باشد و ارتباط مؤثر و معنی‌دار بین متن و یادگیرنده فراهم شود.

فعالیت درونی با اینکه از لوازم یادگیری است ولی برای یادگیری مؤثر و همه‌جانبه کفایت نمی‌کند. لازم است تعامل مؤثر و قابل مشاهده نیز بین فرد و محیط به وجود آید؛ به گونه‌ای که او بتواند سؤال کند، اطلاعات گردآوری کند، به تجزیه و تحلیل آنها پردازد، استنتاج کند، قضاوت کند، نقد و بررسی کند و به طور کلی از طریق ارتباط فعال با عوامل بیرونی به تولید دانش مبادرت کند. براین اساس در محتوای کتاب درسی باید فرصت‌های یادگیری کافی و مناسب برای یادگیرنده پیش‌بینی شود و او را به فعالیت وادار کند.

مورد سوم در یادگیری، تداوم و تحکیم یادگیری است. یادگیری نقطه پایان ندارد. یعنی این طور نیست که پس از آموزش در زمان خاص از حاصل و نتیجه یادگیری مطمئن شویم و فرایند یادگیری را پایان یافته تلقی نماییم. یادگیری مانند ساختن یک بناست؛ وقتی ساختن بنا تمام شد باید برای اطمینان از استحکام آن بندکشی شود و اجزا و عناصر آن اتصال و ارتباط قوی تر پیدا کند. یادگیری نیز به تحکیم و تقویت نیاز دارد. به همین دلیل در کتاب درسی پس از پیکره و متن درس بخش پایانی منظور می شود تا ضمن مرور و ارزشیابی یادگیری، فرصت تمرین و تداوم آن را نیز فراهم سازد.

باید دانست که منطق برنامه ریزی درسی حکم می کند که در پی ساختار سخت و تغییرناپذیر برای طراحی و تولید کتاب درسی نباشیم. کتابهای درسی با توجه به اهداف و مقاصد آموزشی، نوع محتوا و نوع مخاطبین ممکن است به شیوه های گوناگون طرح ریزی شوند؛ با این همه می توان برخی ویژگیهای مشترک یا نزدیک به یکدیگر را در قالب نوعی الگوی انعطاف پذیر پیشنهاد کرد که نوعی وحدت ساختاری به کتابهای درسی بدهد.

در مجموع هر کتاب درسی سه قسمت مقدماتی، پیکره و پایانی را شامل می شود. پیکره یا متن کتاب درسی دارای فصل های متعدد است. گاهی به دلیل تفاوت موضوعات درسی، کتاب به تعداد محدودی بخش یا واحد تقسیم می شود که هر یک دارای چندین فصل نزدیک به یکدیگر است. گرچه هر یک از فصلها جزئی از یک طرح کلی وحدت بخش به کتاب محسوب می شوند ولی هر یک از آنها نوعی محتوای متکی به خود دارند. افزون بر این هر فصل از تعدادی بند تشکیل می شود که هر یک از آنها ممکن است شامل اجزاء کوچکتر به نام ریزبند باشد. این اجزا گرچه در کل یک خط سیر توالی منطقی را دنبال می کند و هر جزء پیش نیاز جزء بعدی به شمار می رود اما این جزء که ممکن است متناسب با ۱ یا ۲ ساعت درسی باشد به نوبه خود نوعی استقلال و هویت دارد و در مقیاس طراحی آموزشی خود، دارای قسمت مقدماتی، پیکره و قسمت پایانی است.

در این بررسی قصد داریم قسمت مقدماتی را مورد توجه قرار دهیم و در شماره‌های بعدی شیوه طراحی و تولید متن کتاب درسی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قسمت مقدماتی کتاب

این قسمت از کتاب درسی باید زمینه عاطفی، شناختی و مهارتی اولیه برای ورود به مطالعه متن درس را در فراگیرنده فراهم نماید. همانطور که در سطور پیشین اشاره شد یادگیری به زمینه‌سازی نیاز دارد و بر این اساس کتاب درسی نیز به عنوان وسیله یادگیری باید قبل از طرح مسائل اصلی، انگیزه اولیه و شناخت مقدماتی را در خود ایجاد کند.

قسمت مقدماتی اجزای زیر را در بر می‌گیرد:

۱. فهرست کلی محتوا

برای معرفی محورهای اصلی محتوای کتاب، در آغاز آن فهرست کلی محتوا جهت آگاهی کلی معلمان و فراگیرندگان طرح می‌شود. این فهرست معمولاً عناوین فصول را دربرمی‌گیرد. (فتحعلی، ۱۹۹۸) و یا اینکه عناوین فصول و چند محور کلی از محتوای فصل را شامل می‌شود. (ویتن و لوید، ۱۹۹۹)

۲. فهرست تفصیلی محتوا

در این قسمت عناوین کلی و جزئی محتوای کتاب به‌طور تفصیلی - جزئی ارائه می‌گردد. یادگیرنده با مطالعه این فهرست ضمن اینکه شناخت مفصلی نسبت به مطالب کتاب درسی به دست می‌آورد، می‌تواند به راحتی موضوع مورد علاقه خود را در متن کتاب جستجو نماید.

با بررسی کتابهای دانشگاهی در ایران، سبک یا شیوه واحدی را در فهرست مطالب این کتابها مشاهده نمی‌کنیم. معمولاً مؤلفان بنا به سلیقه خود به تنظیم فهرست مطالب کتاب اقدام کرده‌اند. برخی از آنها به ارائه فهرست کلی مطالب اکتفا کرده‌اند برخی دیگر نیز فهرست تفصیلی را ذکر کرده‌اند (ذوفن، ۱۳۸۳)

ممکن است گفته شود که تنوع و اختلاف در شیوه ارائه فهرست محتوا در کتابهای درسی دانشگاهی بدون اشکال است و نمی‌توان مؤلفان دانشگاهی را به رویه‌ای یکسان وادار نمود. ولی به عقیده نگارنده و بنا به شیوه‌ای که کتابهای درسی دانشگاهی کشورهای دیگر پیش گرفته‌اند می‌توان گفت: کتابهای دانشگاهی چون برای مقاصد مشابه و مخاطبان معین تألیف می‌شوند ضروری است از سبک و شیوه مشابه پیروی کنند؛ هرچند این ویژگی عمدتاً در تنظیم و سازماندهی محتوا اهمیت بیشتری دارد، ولی شایسته است در همه اجزای کتاب درسی مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که اشاره شد، ارائه فهرست کلی و تفصیلی موجب می‌شود خواننده نسبت به سیمای محتوا تصور مقدماتی به دست آورد و با ذهن آماده وارد متن شود.

۳. فهرست تصاویر

تصاویر و عکس‌های گوناگون در کتاب درسی بخشی از محتوا محسوب می‌شود. به همین دلیل در انتخاب و سازماندهی آنها رعایت دقت و نظم ضروری است. بر این اساس رجوع به عکس‌ها و تصاویر نیز برای دانشجو و استاد در کتاب درسی باید به سهولت انجام گیرد. ارائه فهرست تصاویر می‌تواند کارآمدی این تصاویر را بالا ببرد و موجب ارتباط بهتر با آنها شود.

۴. فهرست جداول و نمودارها

توضیحات مربوط به لزوم درج فهرست تصاویر، در مورد فهرست جداول و نمودارها نیز صادق است. محتوای کتاب درسی به وسیله جدول و نمودار صراحت و ظرافت پیدا می‌کند. گاهی رجوع به یک جدول خلاصه‌ای از یک مبحث یا حتی کل مباحث کتاب را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۵. پیشگفتار

مؤلف کتاب درسی معمولاً در تألیف با مسائل و محدودیتهایی مواجه می‌شود که روند تألیف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر خواننده از این مسائل آگاه شود حس قدردانی و نگرش مثبت در او نسبت به کتاب و مؤلف آن تقویت می‌شود. به علاوه اینکه اگر خود

او نیاز به مطالعه بیشتر داشت از توضیح مؤلف کمک می‌گیرد. چرایی تألیف و غرض مؤلف از این اقدام مقوله دیگری است که در پیشگفتار ارائه می‌گردد.

با ملاحظه تعدادی از کتابهای درسی سازمان سمت معلوم شد که در یکی از کتابهای درسی «پیشگفتار» و «مقدمه» به طور جداگانه و هر کدام با رویکرد خاص آورده شده است که پاره‌ای از جمله‌های پیشگفتار آن ذکر می‌شود:

«غرض از تألیف این کتاب مطالعه تاریخ مختصر ظهور و تطور آراء یا نظریه‌های تربیتی در تمدن یا فرهنگ مغرب زمین است. مقصود از آراء تربیتی اندیشه‌ها یا منظومه‌هایی از افکار و عقایدی است که فلسفه آموزش و پرورش گاه زیر بنای اصول و روشهای آموزش و پرورش موجود و گاه در برابر و حتی در تضاد با آن است و در ضمن انتقاد از آن به بهبود آن کمک می‌کند...» (کاردان، ۱۳۸۱)

در مورد مشکلات تألیف کتاب مزبور آمده است:

«یکی از مشکلات این مطالعه در دسترس نبودن مآخذ و منابع کافی بوده است و نویسنده در حد منابعی که در دسترس او بوده توانسته مطالعه‌ای هرچند ناقص را به ثمر برساند.

این مشکل در مورد سیر آراء تربیتی در قرن بیستم بویژه نیمه دوم آن و در مورد نظریه‌های جدیدی که در این برهه از زمان پدید آمده‌اند از جمله جریان فرانوگرایی (پست مدرنیسم) بیش از ادوار پیشین محسوس بوده است. نویسنده امیدوار است بتواند با به دست آوردن مآخذ بیشتر و بهتر و در فرصتی وسیعتر کاستیها و کمبودهای کار خود در همه دوره‌ها بویژه دوره معاصر را جبران کند...» (منبع پیشین).

۶. مقدمه

مؤلف نکات مهم و اساسی خود را درباره محتوای کتاب درسی در مقدمه توضیح می‌دهد. هرچند تفاوت‌هایی در ساختار مقدمه در کتابهای درسی مختلف مشاهده می‌شود ولی با توجه به موارد مهم مقدماتی می‌توان اجزا و عناصری برای یک مقدمه مطلوب در نظر گرفت.

الف) باورها و دیدگاههای اساسی مؤلف

مؤلف به عنوان یک فرد صاحب‌نظر در خصوص یادگیری، کتب درسی و یا مبانی فکری آن باور و اعتقاداتی دارد و بدون تردید آن باور در شکل‌گیری محتوای کتاب تأثیر مستقیم دارد.

در یکی از منابع علمی مرتبط به کتاب درسی دانشگاهی (روانشناسی اجتماعی) مؤلفان باورهای خود را ذیل عنوان «فلسفه» چنین بیان می‌دارند:

«در هر یک از مباحث سیستماتیک، یک فلسفه معین به عنوان یک جزء جدایی‌ناپذیر مؤثر است. فلسفه ما (در تألیف این کتاب) به شرح زیر می‌باشد:

۱. اعتقاد داریم یک کتاب درسی متناسب با دهه ۹۰ باید یک کتاب منبع برای دانش‌آموزان باشد. ما سعی کرده‌ایم این کتاب را طوری طراحی کنیم که خواننده را به کسب اطلاعات بیشتر درباره موضوع ترغیب و تسهیل کند. این کار خواننده را به سوی یادگیری بیشتر سوق خواهد داد.

۲. به مکتب‌گزینی اعتقاد داریم. این کتاب دانشجویان را در یک جهت‌گیری نظری واحد محدود نخواهد کرد. مکاتب فکری پویایی روان / رفتارگرایی و انسان‌گرایی به نسبت مورد بحث قرار گرفته‌اند همان‌طور که منظرهای فکری شناختی، بیولوژیکی و غیره نیز مورد توجه می‌باشند.» (وتین و لوید، ۱۹۹۹)

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید مؤلفان دیدگاه‌های فلسفی، روانشناختی و آموزشی خود را طرح نموده‌اند تا دانشجویان با مبانی طراحی و تألیف کتاب آشنا شود.

ب) هدفهای یادگیری

هدفهای یادگیری کتاب درسی باید قبل از ارائه متن محتوا آورده شود. این کار موجب می‌گردد دانشجویان از انتظارات آموزشی و پرورشی برنامه‌ریزان و مؤلفان آگاهی پیدا کنند و با بصیرت بیشتر به یادگیری بپردازند. آشنایی با اهداف در ایجاد انگیزه یادگیری و جهت‌دهی به فعالیتهای یادگیری نیز مؤثر است. با توجه به این موارد، مقدمه کتاب می‌تواند یکی از راههای مناسب برای ارائه هدفهای کلی باشد.

ج) اشاره به پیشینه موضوع

قبل از نگارش کتاب توسط مؤلف، دیگران درباره موضوع، تحقیق و مطالعه کرده‌اند. ذکر نام و مشخصات برخی از آنها به اطلاعات دانشجویان می‌افزاید و زمینه‌های ذهنی پربراری برای او فراهم می‌سازد. اصولاً اطلاع از پیشینه بحث ضمن کمک به مطالعه بیشتر خواننده، باور و نگرش او را نسبت به موضوع تقویت می‌کند.

لازم به ذکر است نباید در آوردن پیشینه افراط شود، چون تألیف کتاب انجام یک تحقیق نیست که به پیشینه مفصل نیاز داشته باشد بلکه به ذکر چند مورد از آنها که اهمیت بیشتری دارند باید اکتفا نمود.

شاید اشاره به یک نمونه از چنین کاری خالی از فایده نباشد:

«دورکیم بخصوص تعیین هدفهای تربیت را در هر مرحله از تاریخ تنها به مدد تاریخ آموزش و تاریخ نظریه‌های تربیتی (یا علم تربیت) میسر می‌داند (دورکیم، ۱۳۷۶ ص ۸۰) البته بیش از او دانشمندان دیگر در حدود همین زمان (اواخر قرن نوزدهم) در غرب به اهمیت مطالعه تاریخی آموزش و پرورش برای حل مسائل آن پی برده بودند و به پیروی از روح زمان که علم را بدون بررسی تاریخی میسر نمی‌دید به تاریخ آموزش و پرورش روی آورده بودند. ظاهراً در این کار دانشمندان آلمانی نسبت به دیگران پیشرو بودند (مدلین، ۱۳۵۳ ص ۳) سپس دانشمندان دیگر از انگلستان، فرانسه و آمریکا این کار را پی گرفتند؛ از جمله گابریل کومپره (۱۸۴۳-۱۹۱۳) نخستین کسی است که به تألیف نسبتاً جامعی از تاریخ آموزش و پرورش غرب پرداخته است (همو، ص ۴).

در ایالات متحده آمریکا نیز توماس دیویدسون (۱۸۴۰-۱۹۰۰) نخستین بار به روش علمی به نگارش تاریخ آموزش و پرورش پرداخته است و پس از او پل مونرو (۱۸۶۹-۱۹۴۷) استاد تاریخ آموزش و پرورش در دانشگاه کلمبیاست. (کاردان، ۱۳۸۱)

همان‌طور که ملاحظه نمودید، مؤلف کتاب، خواننده را در قسمتی از پیشگفتار کتاب با چند اثر مهم مربوط به تاریخ آموزش و پرورش آشنا می‌کند و تا حدودی سیر تکوینی تاریخ اندیشه تربیتی را نیز ارائه می‌دهد.

د) معرفی محتوای کتاب

محتوای کتاب به چند بخش و یا فصل تقسیم می‌شود. اگر تقسیم محتوا به طور دقیق و براساس اهداف انجام گیرد، هر فصل ماهیت خاص و حدود معین خواهد داشت. به عبارت دیگر هر فصل قسمتی از اهداف را مورد توجه قرار خواهد داد. به همین دلیل معرفی محتوایی هر یک از بخشها و یا فصلها به شناخت بیشتر آنها توسط دانشجو و استاد یاری خواهد نمود.

ه) سازمان محتوا

منظور از سازمان محتوای کتاب درسی ارتباط و انسجام عناصر محتوا در جهت اهداف یادگیری است. از طریق سازماندهی محتوا، امکان و فرصت بهتر برای یادگیری فراهم می‌شود. اطلاع فراگیرنده از نحوه ارتباط و پیوند اجزا و عناصر محتوا به او کمک می‌کند هر جزء را در ارتباط با اجزای دیگر در نظر بگیرد و از طریق کسل‌نگری به وسعت و عمق یادگیری او افزوده شود.

در مقدمه کتاب برای معرفی سازمان محتوا به سه سؤال اساسی باید پاسخ داده شود:

۱. محتوای کتاب با چه روشی سازماندهی شده است؟ آیا از جزء به کل سازمان یافته است یا از کل به جزء؟ یا روش دیگری به کار رفته است؟ در این مبحث می‌توان علاوه بر معرفی سازمان محتوای کتاب، ارتباط طولی آنرا با کتابهای قبلی نیز نشان داد.
۲. محتوای کتاب با سایر کتابهای درسی موازی چه رابطه‌ای دارد؟ آیا مؤلف برای ارتباط دروس برنامه‌ای دارد؟ اگر پاسخ مثبت است این ارتباط چگونه انجام گرفته است؟

۳. مفاهیم اساسی که محور سازماندهی محتوای کتاب قرار گرفته‌اند کدامند؟ کدام مفاهیم اصلی و بنیادی هستند؟ و کدام مفاهیم فرعی و جزئی می‌باشند؟

و) دلالت‌های یادگیری

یکی از ویژگیهای کتاب درسی قابلیت یادگیری مطالب کتاب است. برای تحقق این ویژگی باید در متن درس فنون و روشهای خاص به کار رود و دانشجو را به یادگیری مؤثر دلالت کند.

نمونه‌هایی از این روشها و فنون به قرار زیر می‌باشد:

۱. ارائه نکات اساسی در پایان هر درس همراه با چند پرسش برای توجه دانشجویان به مسائل اساسی متن؛
۲. ذکر پرسشهای مناسب در متن درس برای ایجاد تحرک ذهنی؛
۳. تعریف واژگان اساسی در پایان هر فصل و یا در پایان کتاب درسی؛
۴. نتیجه‌گیری از مطالب هر فصل؛
۵. ارتباط دادن مطالب با علایق و تمایلات دانشجویان؛

۶. ذکر خلاصه‌ای از مطالب فصل به گونه‌ای که پیام‌های اصلی فصل را دربرگیرد؛

۷. استفاده از نمودارها و مدل‌های گوناگون برای تلخیص و برجسته نمودن مطالب؛

۸. آوردن تصاویر و عکس‌های مناسب و زیبا به قصد کمک به یادگیری.

در بخش مقدمات کتاب درسی باید فنون و روشهایی که در متن کتاب برای

ترغیب و تقویت یادگیری در نظر گرفته شده است معرفی گردد.

۷. معرفی مؤلفان

ارتباط و آشنایی بیشتر فراگیرندگان با مؤلفان کتابهای درسی، در آنها نگرش مثبت برای مطالعه و یادگیری ایجاد می‌کند. وقتی دانشجو از ویژگیها، سوابق و تواناییهای علمی و آموزشی مؤلفان با خبر می‌شود حس قدردانی نسبت به کتاب و مؤلف آن افزایش پیدا می‌کند بر این اساس معمولاً در کتابهای درسی این معرفی انجام می‌گیرد. نمونه‌ای از معرفی مؤلف در یکی از کتابهای درسی دانشگاهی ارائه می‌شود:

وین ویتن فارغ‌التحصیل دانشگاه بریدلی است و در سال ۱۹۸۱ مدرک دکتری خود را از دانشگاه ایلینویز شیکاگو دریافت نمود. او مؤلف کتاب روانشناسی با موضوعات و تفاوتهاست و در دانشگاه سانتاکلارا روانشناسی تدریس می‌کند. او جوایز تدریس ممتاز از مؤسسه روانشناسی آمریکا و دانشکدهٔ دوپیچ دریافت کرده است، جایی که او تا سال ۱۹۹۱ در آنجا تدریس می‌کرد. او قرار است ریاست جامعهٔ آموزش روانشناسی (بخش ۲ مؤسسه روانشناسی داویکایی) را در سالهای ۱۹۹۶ الی ۱۹۹۷ عهده‌دار شود. او تحقیقات زیادی در موضوعات مختلف از قبیل: ارزشیابی آموزشی، رفتار قضایی، فشارهای استرس، فناوری کتابهای درسی و غیره را هدایت کرده است. (ویتن ولوید، ۱۹۹۹)

در متن معرفی فوق مواردی مانند: رشتهٔ تحصیلی، تألیفات، تحقیقات و موفقیت‌های خاص مؤلف ذکر شده است. در صورت تعدد مؤلفان هر یک از آنها جداگانه معرفی می‌شوند.

۸. تشکر و قدردانی

در برنامه‌ریزی، تألیف و آماده‌سازی کتاب درسی، افراد مختلفی به گروه مؤلفان کمک می‌کند. بعضی از آنها در بخش محتوایی و برخی دیگر در آماده‌سازی و چاپ با مؤلفان

همکاری می‌نمایند. تشکر از همه این عوامل بعد اساسی کار تألیف را نشان می‌دهد و با این کار حقوق افراد محترم شمرده می‌شود. نمونه‌ای از متن تشکر و قدردانی در آغاز یک کتاب:

تشکر و قدردانی

این کتاب از طریق همکاری متعهدانه بی‌شمار تألیف شده است. من قصد دارم حس حق‌شناسی خود را از افراد زیادی که نقش مؤثری داشته‌اند ابراز کنم. قبل از هر چیزی به کمک دانشجویان خود اشاره کنم که درس «حقوق» را با من گذرانده‌اند. باید بگویم که آنان به طور مداوم به من نکات جدیدی را الهام می‌کردند.

همچنین می‌خواهم قدردانی خود را از تلاش‌های ویراستاران کتابهای خودم ابراز کنم. از «بیل آدیسون» (از دانشگاه ایلینویز شرقی)، دیوید ماتسوموتو (از دانشگاه ایالت سانفرانسیسکو) و پت اسکوکام (از دانشکده دایچ) تشکر و قدردانی می‌نمایم. آنان، علیرغم مشغله فراوان کمک شایان توجه انجام دادند. کیفیت یک کتاب درسی به مقدار زیادی به کیفیت تجدیدنظرهای قبل از چاپ توسط استادان روانشناسی در سراسر کشور بستگی دارد. تجدیدنظرکنندگانی که اسامی آنها در صفحه بعد ذکر شده است از طریق نظرات سازنده خود در نسخه قبل از چاپ این چاپ و چاپهای قبلی مشارکت مؤثر در تألیف کتاب داشته‌اند. از همه آنان تشکر می‌کنم. (وتین و لوید)

۹. کاربرد محتوا در زندگی

فراگیرنده علاقه دارد از آثار به نتایج و کاربرد محتوای کتاب در زندگی عملی مطلع شود. البته افراط در نگاه عملگرایانه به محتوا را مطلوب نمی‌دانیم ولی با این ویژگی بارز انسان نیز نمی‌توان مقابله کرد. فراگیرنده اگر متوجه شود که مطالب درسی تأثیرات شایسته و مفیدی در زندگی او دارد برای یادگیری اشتیاق بیشتری پیدا می‌کند. به همین دلیل مؤلفان کتابهای درسی باید نحوه ارتباط محتوای درسها را با زندگی فرد توضیح دهند. البته باید توجه داشت که توضیح کلی هم کفایت نمی‌کند بلکه این ارتباط باید به صورت شفاف در جنبه‌های مختلف زندگی نشان داده شود.

یک مثال:

فرض کنیم که قصد داریم برای تألیف کتاب مقدمات برنامه‌ریزی درسی، این قسمت از مقدمات

کتاب را تنظیم کنیم. می‌توانیم مواردی مانند: تدریس، تألیف، زندگی روزمره و زندگی آتی را به عنوان چهار محور بحث (که می‌توانند جنبه کاربردی برنامه‌ریزی را طرح نمایند) در نظر بگیریم. سپس ذیل هر کدام از آنها چگونگی تأثیر یادگیری برنامه‌ریزی درسی را بیان کنیم.

تدریس: ممکن است شما در آینده به کار معلمی و تدریس بپردازید. برای انجام بهتر این حرفه به توانایی در تنظیم و سازماندهی محتوای آموزشی و طراحی آموزش نیاز دارید. هر قدر این قبیل امور را به نحو مطلوب انجام دهید تدریس شما کارآیی بیشتری خواهد داشت. مطالعه و یادگیری مباحث برنامه‌ریزی درسی در کسب این تواناییها به شما کمک می‌کند.

تألیف: همه ما در زندگی به تهیه و تنظیم مطالب جهت انتقال پیام‌های خود نیاز داریم. از نوشتن یک مقاله ساده تا نوشتن یک کتاب و یا هر نوشته دیگر، ما نیازمند به توانایی در طراحی و تألیف هستیم. شما حتماً با ملاحظه نوشته‌هایی که از وضوح و انسجام لازم برخوردار نیستند نگران می‌شوید. علت این نوع کاستی‌ها در برخی نوشته‌ها آن است که نویسنده مطلب، مهارت نوشتن و تألیف ندارد. مطالعه برنامه‌ریزی درسی در این خصوص نیز به ما پاری می‌رساند.

زندگی روزمره: هر کدام از ما در زندگی معمولی خود با امور و مسائل گوناگون مواجه هستیم. برای برخورد منطقی با آنها باید امکانات و محدودیتهای خود را در نظر بگیریم و براساس آنها به قصد حرکت به موقعیت بهتر برنامه‌ریزی کنیم. افرادی که از اصول و قواعد برنامه‌ریزی بی‌اطلاع هستند چگونه می‌توانند برای حل مسائل خود برنامه مناسب و قابل اجرا داشته باشند؟ آگاهی از اصول و روشهای برنامه‌ریزی درسی در اداره امور زندگی تأثیر مثبت دارد.

زندگی آتی: زندگی جریان سیالی است که از گذشته آغاز شده، در زمان حال در جریان است و رو به سوی آینده دارد. فعل و انفعالات زمان حال، به شکل‌گیری آینده مطلوب جهت می‌دهد. آینده را چه کسانی می‌توانند به نفع خودشان تحت تأثیر قرار دهند؟ یقیناً آنهایی که بتوانند هدفهای صحیح و ممکن طراحی کنند و روشهای مناسبی را برای دستیابی به این هدفها تعیین نمایند. با مطالعه مباحث برنامه‌ریزی درسی می‌توان برای این بخش از زندگی نیز توانایی به دست آورد.

۱۰. سخنی با دانشجویان

در این قسمت مؤلفان مستقیماً با دانشجویانی که کتاب را مطالعه خواهند کرد حرف می‌زنند. این کار به ارتباط بیشتر فکری و روانی مؤلف و فراگیرنده یاری می‌رساند. چند نکته مهم در این قسمت قابل توجه است:

الف) اهداف یادگیری کتاب با لحن غیررسمی و معمولی توضیح داده شود.

ب) به کمک‌هایی اشاره شود که مطالعه درس به زندگی آنان می‌کند.

ج) نقش مؤثر آنان در یادگیری یادآوری شود.

۱۱. سخنی با مدرس

مدرس کلاس به عنوان مدیر یادگیری، ملزم به رعایت اصولی در فرایند یاددهی - یادگیری است. آزادی عمل دانشجو نسبت به دانش‌آموزان و فضای باز دانشگاه مانع این نکته مهم نیست که در کلاس درس باید به لوازم و شرایط یادگیری باید توجه شود. بر این اساس در بخش مقدمات باید نکاتی به مدرس توضیح داده شود:

الف) یادآوری مؤثر مدرس در تدریس؛

ب) امکانات و شرایطی که برای تدریس بهتر می‌تواند مورد استفاده قرار دهد؛

ج) ارتباط درس با دروس موازی؛

د) چگونگی استفاده از ویژگیهای محتوایی کتاب در تدریس بهتر.

یازده موردی که در این مقاله به آنها اشاره شد، از جمله مهم‌ترین نکاتی هستند که در نگارش و تنظیم مقدمه (یا مقدمات) یک کتاب درسی باید به آنها توجه داشت. البته آشکار است که اینها تمام موارد موجود نیست و چه بسا از نگاههای دیگر و در کارکردهای متفاوت، بتوان موارد یا نمونه‌های دیگری را هم برشمرد یا اساساً نوع دسته‌بندی و تنظیم مطالب را تغییر داد. اما به هر صورت، آنچه در این نوشته به آن اشاره شد می‌تواند در نگارش یک کتاب درسی بسیار سودمند باشد.

در ضمن توجه به این نکته هم ضروری است که در متن کتاب نیز چه بارها نیاز به مقدمات خاصی باشد؛ به این معنا که در آغاز هر فصل یا هر بخش از یک کتاب درسی، مؤلفان باید بعضی نکات مهم و ضروری را توضیح بدهند تا فراگیر پیش از

خواندن آن بخش یا فصل خاص، با آن نکات آشنا شود. ولی از آنجا که این موارد مرتبط است با قسمت اصلی کتاب که همان متن باشد، توضیح و تشریح این موارد را به قسمتهای بعدی مقاله موکول می‌کنیم.

منابع فارسی

۱. دبلویو. آر. میلر، ماری میلر (۱۳۸۰)، راهنمای تدریس در دانشگاهها، ترجمه ویدا میری، انتشارات سمت.
۲. ذوفن، شهناز (۱۳۸۳)، کاربرد فناوریهای جدید در آموزش، انتشارات سمت.
۳. کاردان، علیمحمد (۱۳۸۱)، سیر آراء تربیتی در غرب، انتشارات سمت.
۴. ملکی، حسن (۱۳۸۳)، برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عملی)، انتشارات مدرسه.

منابع انگلیسی

1. Eliot, R. Smith, (1995) *Social Psychology*, Diane, M. Mackie, University of California, Santa Barbra.
2. Fathali, M., Moghaddam (1998), *Social Psychology Exploring Universities, Across Cultures*, Freeman and Company.
3. Wayne Weiten, Margaret A., Liyod (1997), *Psychology Applied to Modern Life*, Georgia Southern University, Books/Cole Publishing Company